

نورمن فاستر، متولد ماه ژوئن ۱۹۳۵ و شهر منچستر، شاه مهره ی تاریخ معماری انگلستان است. او که از یک خانواده ی طبقه ی کارگر اهل منچستر بود، مدرسه را در سن شانزده سالگی ترک و در حالی که در سالن تالار شهر منچستر به عنوان منشی مشغول به کار بود به معماری علاقه مند شد. پس از گذراندن دوران سربازی در راف با ثبت نام در مدرسه معماری دانشگاه منچستر به فراگیری دروسی نسبتاً سنتی پرداخت و سپس به صورت بورسیه در دانشگاه ییل پذیرفته شد. در آنجا با ریچارد راجرز ملاقات کرد و تحت تاثیر پل رادرف، با کمینیستر فولر، چارلز و ری ایمز و میس وندررو قرار گرفت. در روند شکل گیری شخصیت حرفه ای فاستر نمی توان به نقطه عطفی اشاره نکرد که در حقیقت توانست فاستر را به جهانیان بشناساند و آن اعطای مدال طلای RIBA (یکی از ارزشمندترین جوایز معماری جهان) در سنین میان سالی به وی بود. درست زمانی که هنوز فرصت های زیادی برای او باقی مانده بود. فاستر با دریافت این جایزه غوره شده یا نشده دیگر مویز شده بود. وی در این سال (۱۹۸۳) تنها ۴۸ سال داشت و بسیار جوان تر از آن بود که بتواند در این سن به چنین رتبه ای نایل شود.

فاستر در پهنه ی عمر حرفه ایش با صراحت و قاطعیت تمام از جانب داری مباحث سبک گرایانه (که بخش مهمی از مباحث معاصر ما را به خود اختصاص داده) خودداری کرده و از آن فاصله گرفته است، اما از همان بدو فعالیت حرفه ای خود سعی بر کشف افق های تازه ای داشته که از آنچه امروز بارزترین شوق معمارانه قلمداد میشود بسیار فاصله دارد و این برگرفته از چشمه جوشان اساتیدش از فولز و ایمز تا پره، چاریو،

پاکستون و ایفل میباشد. فاستر هیچگاه حتی نیم نگاهی نیز به نقد های کلیشه مآبانه ای که او را در زمره معماری صنعتی و نه هنری جای می داد نداشته و با ارائه شاهکارهای بی نظیری، به همگان بویژه منتقدین و تاریخ نگاران معماری آموخت که همان گونه که ریشه واژگانی «فن آوری» به هنر می زند مرزی برای چنین تفکیک هایی وجود ندارد.

از فاستر زیاد میتوان آموخت، اما مهمتر از هر چیز در شرایط کنونی صنعت ساخت و ساز کشورمان، آموزه های او در انطباق جنبه های هنری یک ساختمان با جوانبی مانند هزینه، زمان و کیفیت است. هر می که دست یابی به هر یک از رئوس آن به تنهایی ارزشی در پی ندارد.

در طول تاریخ، رابطه نزدیک معماری و زمینه های عمومی تر آن از جامعه، فرهنگ و اقتصاد گرفته تا سیاست تفسیر های ارائه شده از معماری را بر اساس برداشت ها و ترجمان زمینه ها و گستره های مختلف دیگر توجیه می کند. در سایه چنین رویکردی، دست یابی به شناخت نسبتاً دقیقی از «فن آوری برتر» ممکن می شود؛ یعنی موضوعی که از سالهای دهه شصت تاکنون اهمیت یافته است.

در نتیجه، توجه به معماری بر اساس واژگان اقتباس شده از علم، هنر، جامعه شناسی و زمینه های دیگر اتفاقی نیست. تا جایی که این واژگان توانسته است ماهیت متضاد

گونه ای پدیده را که معماری خود را از طریق آن بیان می کند روشن تر و ملموس تر سازد.

### تداوم؛ شیوه مدرن؛ ایده های راهنما

دردورانی که مهمترین شاخص آن، دیر باوری و شک اندیشی عمومی و دلسرد کننده است، تلاش برای ارائه تعریف مشخصی از مدرنیسم چه بر اساس عرف معماری فنی و چه بر پایه نظر پردازی بسار دشوار به نظر می رسد. در این میان مساله بسیار فراگیری که جای بسی بحث و پرسش دارد، تلاش افرادی است که با حسرت و تاسف سعی در بازتأویل جنبش مدرن یا مدرنیسم به مثابه مقوله ای -تاریخی- فرمی دارند؛ مقوله ای که محدود به تجربه اساتید سده حاضر است و در نهایت، با همین تجربیات به مرحله نتیجه گیری رسیده است. این مقوله، با تلاش پیگیر باید بتواند با پرداخت هزینه ای گزاف در برابر تهاجم سبک التقاط گرا مقابله کند.

البته این مقابله باید بر مبنای روش زیبایی شناختی و با تمرکز بر سلیقه ای که تاکنون مدرنیته نامیده میشد انجام شود. این تلاش، در اصل معادلی است برای «سلیقه باستان شناختی» که عامل شکل دهنده معجون شلم شوربای «پست مدرنیسم» است.

اگر چه نورمن فاستر با قاطعیت و صراحت تمام از جانب داری مباحث سبک گرایانه که بخش مهمی از مباحث معاصر را به خود اختصاص داده است -خودداری کرده و از آنها

فاصله گرفته است. از بدو فعالیت حرفه ای خود سعی کرده است به دنبال کشف افق های جدیدی باشد که از آنچه امروزه بارزترین شوق معمارانه قلمداد می شود، بسیار فاصله دارد. این امر بیش از هر چیز در این حقیقت نهفته است که منبع الهام کارهای او را در تفکر و آثار معمارانی باید جستجو کرد که تاریخ تگاری معمول، از آنها به عنوان «خردمند استاد» یاد نمی کند؛ یعنی از فولز تا ایمز، از واشمن تا پره یا چاریو و از پاکسون تا ایفل. در واقع اینها کسانی بودند که از دل مشغولی های سبک گرایانه و نمادین روح زمانه مدرن فاصله داشتند. ولی در عین حال، عمیقاً به پروژه های خلاقانه متعهد بودند؛ پروژه هایی که معیار های سنجش قدرت تکامل معماری را به وجود آورد. فاستر که چشمه جوشان چنین افرادی بهره جسته است، پرسش هایی حیاتی از کل ماهیت شیوه مدرن مطرح می کند. در این میان «تکنیک» مهم ترین و ثابت ترین اصل در کار های اوست و به عبارت دیگر پل ارتباطی مستقیم بین معماری و دنیای تولیدات صنعتی پژوهش های فن آورانه (تکنولوژیکی) و علم هنر است.

### معماری، هنر و فن آوری

با تمام این توصیفات، اگر همین پروژه ها و ساختمان ها را بات دقت بیشتری تحلیل کنیم، نکته ای در تمام آنها وجود دارد که توجه به آن، در مورد جنبه های زیبایی شناختی اهمیت بیشتری می یابد. به همین سبب، این ادعا که این پروژه ها فاقد ماهیت هنری هستند، بسیار مشکل است. تمام این پروژه ها، نوعی تنوع گسترده یا واگرایی از مفاهم و روش های متداول را به تصویر می

کشد و در حقیقت، این امر همراه با توجه به فن آوری برتر، شاخص ترین فرصت لازم برای دست یابی به ابداعات و نوآوری های عمیق در حوزه معماری را به دست می دهد. در عین حال، این تنوع برای افرادی که فن آوری را وسیله ای بی ارزش، انحرافی و حتی مبتذل برای عملکرد گرایمی مهجور و بدون دور اندیشی برای خود جنبش مدرن می دانند، بسیار ناراحت کننده و غیر قابل قبول است در حالی که بحرانهای مداوم و دلسردی های بوجود آمده در دهه های اخیر، باعث نمایان شدن بی کفایتی های ظرفیت و قدرت نجات بخشی می شود که معماری ادعای آن دارد؛ ولی با این حال نمی توان آنها را بهانه هایی برای توجیه حذف تلاش هایی دانست که بر اهمیت هدف و انسجام روش های مربوط به تجزیه و تحلیل رخدادهای واقعی و کشف نشده مدرنیسم و دست یافت های آن که مهم ترین آن فن آوری است، افزوده است. رینر بانهام، مدرنیسم را این گونه تعریف می کند: «ساختمان سازی با مصالح غیر متداول و استفاده از فرم هایی که برای چشم افراد تعلیم دیده نا آشناست. یعنی در یک کلام، معماری مدرن به این معناست که می خواهیم بار دیگر «معماری خطر» را تجربه کنیم... می خواهیم سنت ها و ابزار های متداول را کنار گذاشته و با هوشیاری تمام، ماهیت غیر جبری (ارادی) پیشرفت را دنبال کنیم؛ پیشرفتی که اجتناب ناپذیر نیست و باید بتوانیم آن را در جهت مورد نظرمان هدایت و از حرکت ها و جهت گیری های مستقل آن جلوگیری کنیم».

## ۱۹۶۳ پناهگاهی در پیل کریک (کورنوال)

طرح: دفتر معماری «گروه ۴»: ن.فاستر، دبلیو.فاستر، ف.پیکوک، ر.راجرز، س.راجرز

این سازه غیر معمول به عنوان اولین پروژه این معمار، تلفیقی است از یک پناهگاه و مخزن زیر زمینی که با صفحه ای شکل گرفته که نیمی از آن داخل زمین قرار دارد و به مفهوم اصلی کار فاستر یعنی رابطه با طبیعت اشاره میکند.

البته این رابطه نه با تقلید، بلکه از طریق اعتلای حس شاعرانه داده های مصنوعی به وجود می آید. این سازه عجیب ساخته شده از بتون و شیشه که در میان جنگل به

سختی قابل رویت است، در دهانه رودخانه فال قرار دارد و اقامتگاه دنج و خلوتی برای تماشای جریان ملایم و آرام آب به وجود می آورد.

وجود آشپزخانه ای کوچک، در این فضا را به مکان مناسبی برای اقامتهای کوتاه مدت تبدیل کرده است.

پروژه مجموعه مسکونی در فنوک (کورنوال)

طرح دفتر معماری «گروه ۴»: ل.آبوت، ن.فاستر، دبلیو.فاستر، ف.پیکوک، ر.راجرز، س.راجرز

مساله رابطه با طبیعت (همانند طرح قبلی)، در این پروژه نیز با سازماندهی تعدادی واحد مسکونی تک خانواری منظم به تصویر کشیده شده است. شکل زمین به صورت

شیب تندی در دامنه تپه کورنیش و توجه به حفظ یکدستی محوطه، از عوامل تعیین کننده ساختار پلانی متریک گروههای کوچک واحد های مسکونی واقع در خیابان درختان بوده که در چگونگی شکل گیری سازه داخلی فضا در سطوح مختلف نیز تاثیر گذار بوده است.

بررسی فضای خانه ها، اگر چه یادآور تفکرات سرج چرمایف در مورد تعریف دقیق، آگاهانه و تا حدودی پند آمیز فضاهای عمومی و خصوصی است، ولی بسیاری از ویژگی های شاخص کارهای بعدی فاستر را به نمایش می گذارد. بیش از همه، روشنایی نورگیر های سقفی و بام باغچه ها جلب توجه می کند. هر واحد مسکونی، از طریق جاده ای واقع در امتداد قسمت بالای تپه قابل دسترسی است و محدوده هر یک از این واحد ها، با دو دیوار ساخته شده از بلوکهای بتنی مشخص شده است. این دیوارها تا فضای بیرون خانه امتداد یافته تا حریم خصوصی فضای باز خانه ها نیز حفظ شود. دو نمای این مجموعه که هر کدام در یک سطح قرار دارند به گونه ای کاملاً افراطی شیشه کاری شده است.

۱۹۶۴ خانه های مسکونی در کالسدون (سوری)

طرح: دفتر معماری «گروه ۴» ن. فاستر، دبلیو فاستر، ر. راجرز، س. راجرز، جی. یانگ، ف. پیکوک

پروژه ۱۳۰ خانه پلکانی، دارای طرحی سنتی و خطی است که در آن از خانه های کم ارتفاع و متراکم استفاده شده است. در این دوره زمانی، ساخت این نوع خانه ها در



بیشتر نقاط بریتانیا متداول بود. این واحدها حول یک محور مرکزی و نا پیوسته به طور مجزا و به صورت دو ردیف خطی مقابل هم ساخته شده است. به طوری که وجود این محور، ماهیتی کلی و فراتر از ویژه گی های شهری به این مجموعه می بخشد. وجود هندسه خلاق در این زمینه فیزیکی به دلیل کیفیت محوطه به شدت تضعیف و کم اهمیت شده؛ ولی در نهایت، با قدرت و اقتدار تمام با محوطه و سایت تلفیق شده است.

این طرح، تنوع گونه شناختی مربوط به تفکیک و طبقه بندی فضا های عمومی و خصوصی هر دو را با نتایج صریح و مشخص معماری فنی نشان می دهد که حاصل آن، مجموعه ای از خانه های دو یا سه طبقه است. نماهای رو به محور مرکزی یا منطقه عمومی مجموعه کاملاً محصور است؛ ولی در نمای سمت های دیگر، شیشه کاری در مقیاسی وسیع به کار رفته است. علاوه بر این سازه آجری نمایان، بیانی قوی از معماری فنی را به نمایش گذاشته است.

۱۹۶۴ سه خانه پلکانی در لندن

طرح: دفتر معماری «گروه ۴» ل.آبوت، ن.فاستر، ف.پیکوک، ر.راجرز، س.راجرز

به دنبال طراحی پروژه های مسکونی متعدد در زمینه های غیر شهری این پروژه اولین فرصت فاستر برای ایجاد ارتباط با مقیاس شهر در یک زمین کوچک و محصور به شمار می رفت. سایت این پروژه به وسیله ساختمان هایی که هیچ کدام بیش از دو طبقه نبود، محصور شده است. ایجاد ارتباط با سنت های محلی و بومی که ترکیب های



فرمی میوز لندن را شکل می دهند با نوع حس وفاداری و پایبندی به این سنت ها و با روش های بدیع و خلاقانه تحقق یافته است.

در نهایت، برداشت های دقیق و آگاهانه از قوانین و آئین نامه های ساختمانی، به ساخت خانه مسکونی کوچک و در عین حال ارزشمندی منجر شده است. خانه ای که با حد اکثر استفاده از سطح زمین موجود، تعبیری منسجم و تخیلی از ویژگی های سایت به دست داده است.

هم راستایی ساختمان در امتداد خیابان، با استفاده از آجر کاری فشرده دیوار حفظ شده و کاهش تعداد بازشوها در دیوار طبقه همکف علاوه بر بازسازی نما از نظر هماهنگی و یک دستی، هم راستایی فضا را نیز تقویت می کند. بر عکس در طبقه اول، تغییرات موزون احجام آجری صلب و صفحات شیشه ای شیب دار، شخصیت حرفه ای منحصر به فرد این معمار را نشان می دهد. این سطوح شیشه ای که تا بالاترین ارتفاع ساختمان ادامه دارد، با شیبی تند به سمت حیاط درونی خصوصی واقع در پشت ساختمان پایین آمده و حجمی شبیه کوه یخ بوجود آورده است.

با دیدن برش عرضی این قسمت از ساختمان، برخی از کار های هم زمان جیمز استرلینگ در ذهن تداعی می شود.

این هم زمانی، با آشنایی فاستر و راجرز با معمار ساکن گلاسکوی اسکاتلند در دوران تحصیلات تخصصی آنها در ییل تقویت شده است. با این حال، این مسئله احتمال هرگونه اقتباس از سبک استرلینگ را به طور هم زمان، هم تداعی و هم نفی کرده

است. چرا که راجرز و فاستر، هر کدام در مسیر خاص خود حرکت می کردند و این موضوع، بیش از همه در این پروژه و با استقلال کامل مشهود بود.

این طرح شامل سه واحد مسکونی دو طبقه است که علاقه این گروه را به تفکیک نموداری فضا های خصوصی و عمومی و استفاده از نور به عنوان کیفیتی نامرئی و معنوی در معماری نشان میدهد. مسئله دیگری که در این پروژه مطرح است، توجه به تجربه گرایی در تجدید شیوه های سنتی ساختمان سازی با به کار گیری اجزاء صنعتی در ساختمان است.

۱۹۶۶/۱۹۶۴ خانه بروم ول(خانه کریک وین)، فنوک (کورنوال)

طرح: دفتر معماری «گروه ۴»: ل.آبوت، ن.فاستر، دبلیو.فاستر، ف.پیکوک، ر.راجرز، س.راجرز

این پروژه برای والدین همسر راجرز طراحی شد. در این پروژه، فاستر و همکاران او در گروه ۴ پس از مطالعه عمیقی که بیشتر بر پایه ترسیمات بود، جنبه های مختلف ترکیب بندی واحد های مسکونی یمک زمین شیب دار منتهی به رود خانه را مورد بررسی قرار دادند تا نظریات قوی و غنی خود را جامه عمل بپوشانند.

هدف از ساخت این خانه، گرد آوری آثار هنری بود. به همین دلیل، سازماندهی معماری-فنی فضا های مسکونی یک خانه چندان مورد توجه نبود.

۱۹۹۶ خانه جافه (خانه اسکریبریک)، رادلت (هرت فورد شایر)

طرح: دفتر معماری «گروه ۴» ن. فاستر، دبلیو. فاستر، پیکوک، ر. راجرز، س. راجرز

گروه ۴ برای طراحی این خانه، برخی از ایده های معماری پیشتاز (آوانگارد) بریتانیا در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت را باز اندیشی کرد. مفاهیمی چون انعطاف پذیری،

تغییر پذیری، امکان الحاق و گسترش های آتی که اغلب در حد نظریه مطرح بود و

کمتر به کار گرفته میشد، موضوع بررسی ها و مطالعات توروبوط به این خانه را شکل می

داد. از این رو، موضوعی که پیش از این در شرایط متشابهی از زمینه و برنامه عملکردی

مطرح شده بود، به طرح قابل اجرایی تبدیل شد که در نهایت، به صورت حجمی

تکراری در مقیاس ها و شرایط مختلف نمایان شد. سایت پروژه، قطعه زمینی

باریک، طویل بات شیب ملایم بود که دید کاملاً خاصی به محوطه و مناظر طبیعی

اطراف داشت. شرایط سایت و محصور بودن آن با دو دیوار آجری در دو ضلع طولانی

تر، نحوه چیدمان فضاها در این خانه مسکونی را تعیین نموده، فضاهای داخلی را با

برش های طولی به سه بخش تقسیم می کرد. حاصل کار، ترکیب بندی متفاوتی بود

که از نظر فرم قابل نتیجه گیری نیست. انتهای آن باز است و قابلیت الحاق برای رفع

نیازهای آتی را دارد.

۱۹۹۶ کارخانه قطعات الکترونیکی در سویدون (ویلت شایر)

طرح: دفتر معماری «گروه ۴» اس. آپلبی، ن. فاستر، دبلیو. فاستر، ف. پیکوک، ر. راجرز،

س. راجرز، م. ساتکلیف، ج. یانگ

این کارخانه که آخرین کار ساخته شده توسط گروه ۴ است، تغییری اساسی نسبت به تمام پروژه های قبلی این گروه را نشان می دهد و مهم ترین ویژگی آن، ارائه خلاقیت های کنترل شده در شیوه های سنتی ساختمان سازی است.

در این پروژه، برای انتخاب نحوه ساخت به معماران اختیار تام داده شده بود و همین مسئله به آنها جرات لازم برای استفاده از اجزاء صنعتی و پیش ساخته را داد. استفاده از این اجزاء، نیل به استقلال خلاقانه در پیامد های معماری فنی و فرمی ساختمان را آسان تر کرد.

در حقیقت این استقلال همچون دیگر رویدادهای اجتماعی از منابع فرهنگی غنی تغذیه می شد؛ منابعی که اغلب جنبش های مهم معماری بریتانیا شامل بروتالیسم میسینانی را حمایت کرده است. بر این اساس، اشاره به مدرسه مشهور هانس تانتون-کار اسمیت سون - می تواند سر آغازی بر تحلیل این پروژه، نسخه زیبا تر و ارتقا یافته تر از فرهنگ واژگان اسمیت سون باشد؛ فرهنگی که به طور آگاهانه توسط افرادی چون کرایگ ال وود، رافائل سوریانو، پیئر کوینینگ یا چارلز ایمز (که همگی تحت تاثیر مستقیم آموزش های میس ون دررو قرار دارند) ارزیابی و پالایش شده است.

موضوع شگفت آور دیگر در مورد این کارخانه، ارتباط آن با کارخانه کومینز موتور در دارلینگتون است که هم زمان با این کارخانه، توسط دو معمار آمریکایی یعنی کوین روشه و جان دینگلو طراحی شده است. در حقیقت این ارتباط نباید تعجب آور باشد؛ زیرا هر دو معمار فاستر و روشه به کمینه گرایی (مینی مالیسم) بیانی علاقه مند بودند

و این مسئله در کارهای بعدی هر دو آنها، البته با شیوه های متفاوت نمایان است. با این حال، این موارد تنها موضوعات ویژه این طرح نیست؛ بلکه مسائل خاص و منحصر به فرد دیگری هم در مورد آن مطرح است. مفاهمی چون انعطاف پذیری، قابلیت تغییر و الحاق که اغلب در قالب معماری فنی مطرح می شود، در این پروژه نیز با استفاده از مصالح کمتر، ابعاد و اندازه های پیمونی و تکرار اجزایکسان، قابل دستیابی است. در سایه ی چنین رویکردی، معماران توانستند زمینه ی لازم برای حفظ یکدستی و یکپارچگی تصویر و شمای ظاهری ساختمان را فراهم سازند.

ستون ها تیرهای اصلی، تیرچه ها- همگی - به رنگ سفید هستند تا تضاد بین آنها و پانل های موجدار با روکش پلاستیکی آبی رنگ به کار رفته در لایه ی خارجی ساختمان حفظ شود.

این کارخانه، اولین نمونه از ساختمان های چتری است، یعنی ساختمانی که مجموعه ی وسیعی از فعالیت ها و عملکردها ی آن زیر یک سقف واحد انجام می شود. این ساختمان ها، بخش مهمی از کارهای فاستر را شکل می دهد. ترکیب سیستم های مختلف خدماتی و سازه ای با یکدیگر، این ساختمان را به مجموعه ای سازگانی (منظم) تبدیل کرده است. این ترکیب نه تنها پاسخ گوی نیازهای فوری یک ساخت و ساز صنعتی است، بلکه برای ساماندهی روندهای تولید نیز لازم و ضروری است. روندهایی که افراد درگیر در آن، به طور سنتی به دو دسته ی کارمند (اداری) و کارگر (صنعتی) تقسیم می شوند.

## ساختمان مدرسه ای در نیوپورت (ویلز)

طراحی شده برای مسابقه معماری، دفتر معماری فاستر و همکاران

ن. فاستر، دبلیو. فاستر، م. کوک، ای. استانتون

موضوع این مسابقه طراحی مدرسه و ساختمان چند منظوره ای در شهر نیوپورت بود.

به طوری که با ماهیت بی ثبات تحولاتی که تمام ابعاد زندگی جامعه ی دهه ی شصت

را تحت تاثیر قرار داد، هم خوانی و مطابقت داشته باشد توجه به ترکیب ساختمان با

زمینه ی اجتماعی آن و خلق فضاهای سازگار با شیوه های آموزشی خلاقانه و نوین

بریتانیا باعث شد که نورمن فاستر مفهوم (ساختمان چتری) را به عنوان بهترین و

مناسب ترین ایده برای پاسخ به نیازهای جامعه معاصر تعریف کند.

۱۹۶۹ مرکز تفریحی خطوط کشتیرانی فرد اولسن، لندن

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران: ن. فاستر، دبلیو. فاستر، م. فرانسیس، ب. کوپلاند،

ت. نیهوس، ای. استانتون

این ساختمان، قسمتی از یک برنامه جامع برای سازمان دهی تسهیلات شرکت نیروزی

خطوط کشتیرانی فرد اولسن در لندن است که آغاز دوران ارزشمند همکاری طرح و

کارفرما به شمار می رود. سازه فولادی این ساختمان دو طبقه بین دو دهانه موجود

قرار گرفته است. طبقه پایین این ساختمان شامل امکانات تفریحی و گذران اوقات

فراغت برای کارکنان شرکت است و مرکز اداری، در طبقه بالا قرار دارد و حرکت

کشتی ها را کنترل می کند. در دو نمای باز این ساختمان که کلا از شیشه بازتابی

(رفلکس) ساخته شده، فاستر سعی کرده است جنبه های خاصی از هنر کمینه گرایی خود را به تصویر بکشد. این کار بیشتر با استفاده از وادارهای ظریف و طراحی شده محقق شده است.

۱۹۶۹ سازه پنوماتیک موقت برای شرکت فنآوری رایانه همل همپ استید (هرت فورد شایر)

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران

این پروژه را که فاستر و همکارانش به عنوان دفتر مرکزی موقتی برای شرکت فنآوری رایانه طراحی کرده اند، تنها به دلیل سازه بادی به کار رفته در آن و عملکرد غیر عادی اش اهمیت نیافته است. نورمن فاستر در مورد این پروژه و برخی از کارهای دیگری که در همان زمان تجربه کرده است، در مورد مفهومی متفاوت از «معماری معماران» صحبت میکند. حاصل این نوع تفکر، در پروژه های دفتر او با تمرکز و توجه بیشتر به ابعاد گوناگون روندهای ساخت که معمولاً در معماری به عنوان مسائل جنبی شناخته می شود جلوه گر شده است. برخی از مهمترین مسائل مربوط به این روند ها عبارت است از: کنترل هزینه ها و برنامه اجرایی و تکمیل پروژه، سازماندهی امور اجرائی و غیره.

با این همه، دیدن جنبه های زیبایی شناختی فراتر از مسائل ساده ای

چون عملکرد، اقتصاد و مدیریت سایت، غیر ممکن نیست. علاوه بر این، اگر به خاطر داشته باشیم که این پروژه متعلق به بستری فرهنگی است که از تجربه های آوانگارد



هنری و معماری فنی مکتب هایی چون پاپ، کمینه گرایی، مفهوم گرایی، دادائیسیم نو و غیره شکل گرفته است، درک نتایج به دست آمده آسان تر است.

۱۹۷۱ تئاتر ساموئل بکت، آکسفورد

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران با همکاری ر.ب.فولر

این پروژه، ساخت یک سالن تئاتر با سازه ویژه برای ارائه کارهای بکت مورد نظر بود. کمبود فضا، ایده استفاده از یک سازه زیر زمینی در حیاط یک دانشگاه را تقویت کرد. فرم این ساختمان که بر اساس تنش ها و فشار های زمین بوجود آمده، فضای نمایشگاهی و امکانات آموزشی خاص با بیشترین انعطاف پذیری را به دست می دهد.

۱۹۷۱ کلیماتروفیس

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران با همکاری ر.ب.فولر

این پروژه، به دنبال بررسی امکانات مختلف تجهیز یک فضای شهری با قرار دادن تعدادی سکو داخل یک گنبد ژئودزی بزرگ طراحی شد. فرم به دست آمده، رابطه بین فضای محصور و مساحت سطح داخلی را به مطلوب ترین حد می رساند. حاصل این فرم، ایجاد خرد اقلیم های مطبوع و مطلوب برای انجام فعالیت های تولیدی در فضای آزاد است و این کار، بیش از همه در سایه کم بودن ضریب رابطه بین فضای خارجی و کل مساحت فضا امکان پذیر است.

این طرح که از طرح های پیشنهادی فولر (مهم ترین آنها، طرح مشهور سقف مانهاتان) الهام گرفته و با برخی از کارهای آرچیگرام (مانند پروژه چویس کنترل) قابل قیاس است، مهم ترین تجربه معمار برای عملی ساختن ایده هایی بود که بعدها در پروژه ساختمان بیمه ویلیس، فابر و داماس نیز تکرار شد.

۱۹۷۱ ساختمان دفتر معماری فاستر و همکاران در خیابان فیتزروی، لندن:

ن. فاستر، دبلیو. فاستر، م. هاپکینز، ب. هاوارد، ت. نیهوس، ن. پارتیچ، م. ساپیرو، جی. داونز، ای. فیلیپس، ل. بوت، ر. برادلی، سی. چابرا، د. بایلی

سازمان دهی طبقه همکف ساختمان دفتر معماری فاستر و همکاران در مدتی بیش از ۱۰ سال بازتابی قوی از مفاهیم فضایی رویکرد روش شناختی این گروه به طراحی معماری است؛ رویکردی که بر پایه تجربه های مداوم و روش های چند گستره ای شکل می گیرد. بر این اساس فضای کار این دفتر دارای ساختار انعطاف پذیری است که با توجه به ماهیت هر پروژه و گروه همکار آن تغییر شکل می یابد.

سیستم های سازه ای برای ساختمان صنعتی

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران

این پروژه، در حقیقت برای نظم بخشی و سازمان دهی موضوعات سازه ای و اجرایی مطرح در بسیاری از پروژه های قبلی در نظر گرفته شده است. اصول اولیه این بررسی

و تحقیق، بر گرفته از سیستم مدرسه سازی ازرا ازنکرانتز در کالیفرنیا (SCSD) است و عناصر ضروری و اصلی مفهوم گونه شناختی «ساختمان چتری» را شکل می دهد. روشی مشابه این سیستم، در پروژه مرکز فنی IBM در گرین فورد نیز به کار رفته است.

۱۹۸۰/۱۹۷۷ مرکز فنی IBM، گرین فورد، لندن

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران

این طرح جدید، اولین مرحله ساخت مجموعه صنعتی بزرگی در مجاورت فرودگاه هیتر و محسوب میشود. دو فضای وسیع و بزرگ-که به وسیله حجم باریکی به شکل پل به یکدیگر متصل شده اند-بر اساس سیستم توزیع محوری بار در سازه طراحی شده است و هر یک از مسیرهای مجزای پیاده رو و سواره رو در سطوح مختلف قرار دارد. نکته قابل توجه در مورد این پروژه، مدت زمان بسیار کوتاه ساخت آن است. این زمان از مرحله اسکیسهای اولیه تا تکمیل ساختمان حدود ۸ ماه بوده است. در حقیقت، کارفرما کارهای مربوط به تعیین جزئیات برنامه فیزیکی را پس از شروع کارهای اجرایی در سایت انجام داده است.

احجام ساخته شده در این پروژه که به عنوان ساختمان های چتری شناخته می شود- طیف وسیعی از فعالیت های مختلف را پوشش می دهد. فضا هایی چون اتاق های نمایشگاهی، مرکز آموزش، خدمات اداری، دفتر های مدیریت، خدمات مشتریان، آزمایشگاه های تحقیقاتی، انبارها و کارگاهها، رستوران کارکنان، و فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت نیز در این مجموعه در نظر گرفته شده است.

۱۹۷۹ خانه فاستر، لندن

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران: ن. فاستر، دبلیو. فاستر، پ. بوسی، ر. هوردن، ت. پریچارد

در این پروژه، معماران فرصتی به دست آوردند تا در یک زمینه مسکونی، مفاهیم مربوط به تلفیق سطوح قائم و فن آوری را برای خلق یک مجموعه انعطاف پذیر مورد آزمایش قرار دهند. تیرها و ستون های آلومینیومی که با ایجاد تخلخل سبک تر شده است، سازه ساختمان را به وجود آورده و در داخل زمین مهار شده است. برای افزایش استحکام و قدرت ساختمان یک سازه ثانویه ساخته شده از لوله های آلومینیومی با مقطع دایره و بیضی شکل به آن اضافه شده است. ترکیب این دو سیستم سازه ای، شبکه ای (۱/۲۰ × ۱/۲۰ متر) به وجود آورده که با توجه به عملکرد فضاهای داخلی خانه، عناصر ورقی و پوشاننده ای به آن متصل شده است. استفاده از پانل های مات، نیمه شفاف و شفاف در سقف و دیوار های این خانه، به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. برخی از این پانل ها، تاسیسات مربوط به نور پردازی و تبدیل انرژی خورشیدی را در خود جای داده است. داکت ها و عناصر تاسیساتی، در خلأ موجود بین سقف و سقف کاذب امتداد یافته و به قسمت های مختلف ساختمان منتقل شده است.

۱۹۸۶/۱۹۷۹ دفتر مرکزی بانک هنگ کنگ و شانگهای، هنگ کنگ

طرح: فاستر و همکاران

فاستر در پروژه باتک هنگ کنگ و شانگ های، تغییری اساسی ایجاد کرد؛ تغییری که پیش از این در پروژه مرکز سانزبوری به وجود آورد و در حقیقت ادامه حرکت و جنبشی است که تقریباً از دوران مربوط به کمینه گرایی کارهای او آغاز شد. توجه به سازه ساختمان که به صورت کاملاً نمایان و با شکل ها و فرم های خاص طراحی شده، در کنار ترکیب پویا زنده به کار رفته در آن کاملاً مشهود است و آن را می توان ترکیبی از تصاویر آوانگاردهای تاریخی (از آتی گراها تا ساخت گراها) و گروه آرچیگرام دانست. این تصاویر با قدرت و ظرفیت فوق العاده ای به کار رفته است.

۱۹۸۲ دفتر مرکزی شرکت هومانا، لوئیس ویل (آمریکا)

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران (برنده مسابقه): ن. فاستر، دبلیو. فاستر، ب. هاوارد، ل. بوت، ر. فلپت وود، ر. هوردن، ج. کاپلیکی، ای لکویر، دبلیو. شو، د. چیفر فیلد، وی. هاجی کیر بی کوس

این پروژه، سومین آسمان خراشی است که فاستر طراحی کرد و نشانه ای از پیشرفت در زمینه ابداعات به کار رفته در طراحی بانک هنگ کنگ محسوب می شود.

در این برج ۳۲ طبقه که برای شرکت هومانا طراحی شده هسته تاسیساتی و ارتباطات قائم در بیرون ساختمان متمرکز شده است. این حجم استوانه ای، در تقاطع دو خیابان اصلی و مهم لوئیس ویل قرار گرفته و همچون قسمتی از یک سیستم ارتباطات نزدیک، متوسط و راه دور به نظر می رسد. در حقیقت، پشت بام این برج خدماتی بلند، محل قرار گیری سیستم های پیچیده آنتن رادیویی تند پز (ماکرو ویو) و رادارهای مخابراتی

و ارتباطات ماهواره ای ، نور افکن ها لیزی، صفحات الکترونیکی و سکویی برای فرود هلی کوپتر است.

### ۱۹۸۹/۱۹۸۷ برج سده یا قرن بونکیکو، توکیو

طرح: دفتر معماری فاستر و همکاران : ن.فاستر، د.نلسون ک.شاتلورت، م.برامهال، اچ.کان، ت.پولیتوویسز، ای.سیلینگ، ای.یاکوبو؛ دفتر معماری فاستر و همکاران ژاپن: سی.سدون، اچ.براور، ای.میلر، ک.لویی، اچ.انو

پس از ساخت یک آسمان خراش در هنگ کنگ، توکیو محلی شد تا این شرکت دومین آسمان خراش خود را که همچون برج قبلی ، با توجه به مفهوم انعطاف پذیری فضا ساخته می شد تجربه کنند.این دو برج، از جنبه های مختلفی چون گونه شناسی عملکردی و فرم مشابه یکدیگر و حتی در برخی موارد یکسان هستند. رابطه و شباهت آنها، از جنبه فن آوری ساخت به کار رفته در آنهاست.

ترکیب بندی غیر معقول این ساختمان، نتیجه کنار هم قرار گرفتن دو برج ۱۹ و ۲۱ طبقه است. این دو برج مجاور هم، به وسیله تالار ورودی بلندی که روشنایی عمق کامل دو برج را تامین می کند، از هم جدا شده اند. انعطاف پذیری فضاهای اداری عاری از هر گونه عناصر سازه ای ثابت، از طریق انتقال سرویس ها و عناصر تاسیساتی به دو ضلع خارجی بنا و انتقال سازه های اصلی و قوی ساختمان به دو ضلع دیگر، به حداکثر رسیده است. سازه های این بنا به گونه ای طراحی شده که بیشترین میزان

ایمنی را در برابر بلایای طبیعی (مانند زلزله و طوفان) دارد و در عین حال ابداع آگاهانه و خردمندانه ای در زمینه ساخت و سازه های ژاپن به شمار می رود.

۱۹۹۲/۱۹۸۸ پارک میکرو الکترونیک، نئودرف، داسبورگ

طرح: سر نورمن فاستر و همکاران: ن. فاستر، د. نلسون، اس. بنلیگ، م. برومن و سی

آلرکامپ، سی. آیاز، اس. بایلی، م. براون، جی. فان، م. فانتونی، ب. فرانک، جی. گورز، اچ

گودلند، اس. حجاز، ج. کریمل، ت. کروچر، پ. لاتور، ای پوینیئر، ای وینمن

طرح نورمن فاستر برای پارک میکرو الکترونیک که در قالب برنامۀ وسیعی برای تغییر

شکل بازسازی و احیای قدرت صنعتی در شهر روهر انجام شد، به مثابه عامل مهم و

ماثری در تقویت ساختار ریخت شناسی برخی از شهر (منطقه تئودرف) عمل می کند.

در این طرح، سه نوع ساختمان مختلف با آب نماها و پوشش گیاهی منطقه ترکیب

شده و نمونه ای خرد مقیاس از ایده «شهر سبز» را به وجود می آورد؛ شهری که در

آن، عناصر مصنوعی یا طبیعی با یکدیگر ادغام شده و ارتباطی دو سویه بین آنها به

وجود می آید. به همین دلیل، از نظر معیارهای بوم شناختی و کمترین میزان مصرف

انرژی، محیط قابل قبولی به دست می آید.

۱۹۹۹/۱۹۹۱ ایستگاه زیرزمینی کاناری وارف

لندن، انگلستان



طرح توسعه خطوط جویلی، یکی از بزرگترین ها پروژه های معماری در سال های اخیر است که شامل طراحی یازده ایستگاه توسط معماران مختلف بوده است. ایستگاه کاناری وارف، بزرگترین ایستگاهی است که پس از تکمیل تعداد افرادی که از آن استفاده خواهند کرد بیش از تعداد افرادی که از آن استفاده خواهند کرد بیش از تعداد افرادی است که در ساعت های پر رفت و آمد از ایستگاه آکسفورد سیرکوس - پر رفت و آمد ترین ایستگاه زیر زمینی لندن استفاده می کنند.

این ایستگاه در حفره ای که برای لنگرگاه سابق وست ایندیا کنده شده ، ساخته شده است. طول این دستگاه ۳۰۰ متری، برابر ارتفاع برج کاناری وارف است. با ایجاد فضای سبز بر روی بام این ایستگاه ، یک فضای تفریحی اصلی نیز در طرح کاناری وارف به وجود می آید. نه تنها اجزاء نمایان این ایستگاه، سایه بان های شیشه ای است که سقف سه ورودی ایستگاه را تشکیل میدهد.

۲۰۰۱/۱۹۹۱ طرح جامع اسکله داخلی دوسبورگ

دوسبورگ آلمان

در سال ۱۹۹۱ این شرکت در مسابقه بین المللی طرح جامع اسکله داخلی دوسبورگ (بزرگترین اسکله داخلی جهان ) برنده شد. هدف این طرح شامل یک سایت ۸۹ هکتاری است، ایجاد پیوند و ارتباط بین بافت داخلی شهر و کرانه آب است. این طرح شامل ساخت و ساز های جدید و ساخت سریع ساختمان های مورد نظر است تا علاوه

بر فضاهای تجاری و صنایع سبک، فضا های مسکونی و اجتماعی فرهنگی نیز ایجاد کند.

اولین قسمت تکمیل شده این پروژه اسکله استیگر شانتور است که تسهیلات مربوط به قایق های تفریحی و گردشگری را فراهم می کند. دسترسی معلولین به قایق ها نیز از طریق یک پل شناور و شبیه امکان پذیر می شود. چهار پل شناور فولادی با اتصال به شبیه های لولایی با ساحل ارتباط دارد این شبیه ها می توانند تغییر ارتفاع آب تا ۷/۴ متر را جبران کند. برای تکمیل این تسهیلات در طول قسمت غربی اسکله گردشگاه های پیاده رویی ایجاد شده است که شامل درخت کاری، نورپردازی و نرده کشی است.

۱۹۹۳/۲۰۰۰ مجموعه الفيضیه

ریاض، عربستان سعودی

مجموعه الفيضیه، نقش اساسی و مهمی در توسعه شهر ریاض دارد. این مجموعه با زیر بنای ۲۴۰۰۰۰ متر مربع، اولین آسمان خراش عربستان سعودی است و یک برج اداری شاخص به ارتفاع ۲۶۷ متر، یک هتل ۵ ستاره، تالار پذیرایی، مرکز گرد هم آیی، آپارتمانهای لوکس و یک مرکز خرید سه طبقه را در بر گرفته است. در طراحی این مجموعه، علاوه بر مسائلی چون نگهداری راحت و سازگاری با اقلیم خاور میانه، مسائل دیگری چون بازده اقتصادی، انعطاف پذیری فضایی و کار آیی بالای خدمات و عملکردها نیز مد نظر بوده است.

برج اداری، پلان مربعی شکلی دارد که حول یک هسته مرکزی فشرده طراحی شده است. این برج با افزایش ارتفاع نازک تر می شود و چهار ستون واقع در چهار گوشه برج، سیلوئت منحصر به فردی را برای آن تعریف می کند. ایوانک های تماشای واقع در طبقات بالای ساختمان، با شکل بادبندی ها K شکلی که بار را به ستون گوشه ها منتقل می کنند، هم خوانی دارد. سطح ساختمان با پنل هایی از آلومینیوم نقره اندود پوشانیده شده است. در نمای این ساختمان، سطوح پیش آمده ای به کار رفته که مانع تابش خورشید به داخل می شود. برای کاهش مصرف انرژی می توان از شیشه های معمولی استفاده کرد. استفاده از لایه های متعدد در نمای ساختمان نیز کنترل آب و هوای محیط داخلی بسیار موثر است.

۱۹۳۵ نورمن فاستر، در ماه ژوئن در شهر منچستر متولد شد.

۱۹۵۳ پس از اتمام دوره متوسطه، به صورت نیمه وقت و به عنوان منشی در تالار شهر منچستر شروع به کار کرد. سپس به خدمت سربازی رفت و در حین خدمت در نیروی هوایی، در زمینه مهندسی الکترونیک مهارت یافت و اطلاعاتی در مورد هواپیماها کسب کرد. در نهایت، به دلیل علاقه به هواپیماهای گلایدر به یک خلبان ماهر تبدیل شد.

۱۹۵۵ پس از اتمام دوره دو ساله سربازی در دفتر دو تن از معماران منچستر مشغول به کار شد.

۱۹۵۶ با ثبت نام در مدرسه معماری دانشگاه منچستر، به فراگیری دروس نسبتاً سنتی (در مقایسه با دروس و رویکردهای متداول در انجمن معماران لندن و مدرسه معماری لیور پول) پرداخت. با این حال، در این سال ها توانست مهارت های منحصر به فردی در زمینه فنون ترسیم و ارائه به دست آورد.

۱۹۵۹ در این سال یکی از ترسیم های او به عنوان یک کار درسی موفق به دریافت مدال نقره ای RIBA شد.

۱۹۶۰ او در او در این سال دیپلم معماری و مجوز طراحی شهری خود را دریافت کرد. در همین زمان، مدال هیوود و مدال برنز انجمن معماران منچستر به وی اهدا شد. علاوه بر این، با قبولی در بورسیه تحصیلی انجمن ساختمان سازان، به فلوشیپ هنری نایل شد. پس از آن برای گذراندن دوره دو ساله تخصصی در دانشگاه ییل به آمریکا رفت. وی در آنجا تحت تاثیر پل رادرف، سرچ چرمایف و وین سنت اسکالی قرار گرفت و در همین زمان با ریچارد راجرز که مانند خود او دانشجوی بورسیه بود - و جیمز استرلینگ - که برای مدت کوتاهی در همان مدرسه تدریس می کرد - ملاقات کرد.

۱۹۶۱ فاستر مدرک فوق لیسانس معماری را با موفقیت دریافت کرد - ملاقات کرد.

۱۹۶۲ فاستر مدرک فوق لیسانس معماری را با موفقیت دریافت کرد. سپس گردش معمارانه ای را از سپس گردش معمارانه ای را از سواحل شرقی ایالت متحده تا کالیفرنیا آغاز کرد و در این سفر، روند توسعه معماری مدرن را از فرانک لوید رایت تا چارلز آیمز بررسی و دنبال کرد.

۱۹۶۳ پس از بازگشت به انگلستان با همکاری ریچارد راجرز، گروه طراحی را در لندن تشکیل داد. دیگر همکاران آنها در این گروه عبارت بودند از سو راجرز (همسر ریچارد راجرز) و جورجیا و التون که با راجرز در انجمن معماران لندن تحصیل کرده بود. مدتی بعد، وندی چیزمن-فارق التحصیل مدرسه معماری بارتلت دانشگاه لندن که بعد ها همسر فاستر شد-نیز به آنها ملحق شد. البته از همان آغاز، عضویت جورجیا و التون که دفتر اصلی او در هامپ استید بود حالتی ظاهری داشت و تاثیر چندانی در رابطه آنها نداشت.

۱۹۶۴ در این سال با وندی چیزمن ازدواج کرد که ثمره آن دو فرزند به نامهای «تی» و «کال» است.

۱۹۶۵ در این سال به عضویت انجمن معماران سلطنتی انگلستان در آمد.

۱۹۶۶ فاستر همراه با گروه ۴ ساختمانی را طراحی کرد که وی را به شهرت جهانی رساند. این ساختمان، کارخانه رلیانس در سوئد بود که آخرین بنای ساخته شده توسط این گروه است. زیرا این گروه در همان سال منحل شد. سپس نورمن و وندی فاستر با هدف ایجاد یک مرکز میان گستره ای برای طراحی و تحقیقات، دفتر معماری فاستر و همکاران را تاسیس کردند. این دفتر در مجاورت باغ کوونت قار داشت.

۱۹۶۷ در حین طراحی پروژه تئاتر ساموئل بکت، با ریچارد باکمینستر فولر آشنا شد که بعدها تاثیر عمیقی در اندیشه و کارهای فاستر گذاشت. این آشنایی، سرآغازی بود

برای دوستی و همکاری طولانی و پرثمری که تا زمان مرگ این استاد آمریکایی (یعنی سال ۱۹۸۳) ادامه داشت.

۱۹۷۱ در این زمان، دفتر معماری فاستر و همکاران به طبقه همکف ساختمانی در خیابان فیتزروی که فقط چند صد متر از برج اداره پست فاصله داشت، منتقل شد. تجهیز و طراحی داخلی این دفتر، بستری بود برای بررسی و آزمایش مفاهیم و مصالحی که بعد ها هسته اصلی فلسفه کار فاستر را شکل داد. ۱۹۷۴ فاستر به عنوان نایب رئیس انجمن معماری انتاب شد.

شرکت او که قبلاً با یک شرکت نوژی به نام «شرکت خطوط کشتیرانی فرد اولسن» همکاری داشت. دفتری در اوسلو تاسیس کرد و ابتدا کارهایی برای این کارفرماهای دیگری در نقاط مختلف کشور همکاری کرد.

۱۹۷۵ در این سال، ساخت دفتر های شرکت بیمه ویلیس فابر و داماس در ایپسوویچ به پایان رسید و این پروژه شرکت فاستر را به شهرت جهانی رساند.

در این سال، ساخت دفتر های شرکت بیمه ویلیس فابر و داماس در ایپسوویچ به پایان رسید و این پروژه شرکت فاستر را به شهرت جهانی رساند.

۱۹۷۸ ساخت مرکز هنر های تجسمی سانزبوری، آغاز مرحله مهم و درخشانی در زندگی حرفه ای او شد و پروژه های ارزشمند دیگری را برای او و همکارانش در این گروه به ارمغان آورد.

۱۹۷۹ در این سال شرکت بانکداری هنگ کنگ و شانگهای از وی دعوت کرد که همراه ۶ شرکت بین المللی دیگر، در مسابقه ای محدود با موضوع طراحی دفتر مرکزی این بانک شرکت کند. با انتخاب طرح فاستر به عنوان طرح برگزیده، اجرای این پروژه به شرکت وی واگذار شد.

۱۹۸۰ فاکستر در این سال به عضویت انجمن معماران امریکایی در آمد. علاوه بر این، در همین سال دکترای افتخاری دانشگاه آنجلیای شرقی به او اعطا شد. در بیست و چهارم ژوئن نیز، در مراسم اهدای مدال طلای سال ۱۹۸۰ به جیمز استرالیانگ سخنرانی کرد.

۱۹۸۱ در این سال با شرکت در مسابقه محدود طراحی ورزشگاه سرپوشیده فرانکفورت آم مین، جایزه طرح برگزیده را دریافت کرد. در همین زمان معماری او در یکی از برنامه های مستند هنری BBC معرفی شد و مورد بررسی قرار گرفت.

۱۹۸۲ در این سال، دفتر آنها به خیابان گریت پورتلند و در مجاورت دفتر های شرکت RIBA منتقل شد. همچنین به عنوان یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده صنعتی هنر لندن انتخاب شد.

۱۹۸۳ در این سال فاستر بالاترین رتبه این حرفه را از آن خود کرد و «مدال طلای سلطنتی» رشته معماری را دریافت نمود. این مدال جایزه بین المللی ارزشمندی است که در سال ۱۸۴۸، ملکه ویکتوریا برای پیشرفت حرفه معماری در نظر گرفته بود. در مراسم اهدای این جایزه، با کمینیستر فولر سخنرانی کرد. فاستر در این سال به



عضویت دانشگاه سلطنتی در آمد. پس از برگزاری یک مسابقه محدود با شرکت گروه منتخب معماران، از فاستر برای طراحی مرکز جدیدی برای BBC در منطقه پورتلند دعوت شد. این مرکز در مقابل کلیسای آل سولز اثر جان ناش قرار دارد.

در مسابقه محدود که شورای شهر نایمز برای طراحی یک مدیا تک و مرکز هنرهای معاصر در آن شهر برگزار کرد، طرح فاستر برنده شد. در همین سال اتحادیه بین المللی معماران جایزه آگوست پره را به وی اهدا کرد.

۱۹۸۵ دانشگاه بت، دکترای افتخاری علوم را به فاستر اعطا نمود. علاوه بر این، وی در مراسم بازگشایی بنای یادبود اریک لیونز در RIBA سخنرانی کرد.

در همین سال، دو نمایشگاه مهم از کارهای او بر پا شد:

یکی در انجمن معماران فرانسه در پاریس (باز گشایی در ژانویه) و دیگری در دانشگاه سلطنتی لندن (بازگشایی در اکتبر).

۱۹۸۶ وی جایزه موسسه طراحی ژاپن را به خود اختصاص داد. شرکت او نیز در همین

سال در مسابقه تغییر شکل و بازسازی یک سایت ۴۸ هکتاری در منطقه کینگز کراس در لندن برنده شد. این پروژه، در نوع خود بزرگترین و وسیع ترین طرح شهر سازی در

اروپاست و شامل تفکیک طیف وسیعی از عملکرد های مختلف می باشد. از جمله این

عملکردها می توان به ایستگاه تونل راه آهن متصل به یک پارک بزرگ اشاره کرد که

اطراف آن از ساختمان های مسکونی و اداری پوشیده شده است. این پروژه و پروژه

چهار راه پاترنوستر، آغار مرحله جدیدی از اجرای پروژه هایی در مقیاس شهری بود. در

سالهای بعد، این شرکت طرح های شهری مختلفی برای شهر های زیر طراحی و اجرا کرد: کمبریج (۱۹۸۹)؛ نایمز، کانس و برلین (۱۹۹۰)؛ گرینویچ (۱۹۹۱)؛ روتردام، لودن شید و یوکوهاما (۱۹۹۲)؛ بافت تاریخی چارتریس، کورفو و لیسبون (۱۹۹۳).

هم اکنون این شرکت در حال انجام پروژه های برای تغییر شکل و بازسازی قسمت وسیعی از مرکز شهر بارسلون است که مساحت سایت آن بیش از ۲۲۰ هکتار است.

۱۹۸۷ ظرفیت بالای این شرکت باعث شد که بتواند به مجموعه وسیعی از برنامه ها و پروژه های کلان مقیاس پاسخگو باشد. یکی از این پروژه ها، برج مخابرات بارسلون است که به منظور آماده سازی شهر برای مسابقات المپیک در نظر گرفته شده است.

نمونه های دیگر این پروژه ها، متروی شهر بیلباو، پل دره گذری در منطقه رنس در فرانسه و ایستگاه زیر زمینی کاناری وارف در لندن (۱۹۹۱) است.

۱۹۸۹ این سال مصادف بود با فوت زود هنگام وندی همسر نورمن - که از آغاز فعالیت حرفه ای نورمن همراه او بود و پس از همکاری در «گروه ۴» یکی از مؤسسان دفتر معماری فاستر و همکاران بود.

۱۹۹۰ سازمان حفاظت از محیط زیست انگلستان، ساختمان شرکت بیمه ویلیس، فایر و داماس در ایپسوویچ (۷۴-۱۹۷۳) را جزء ساختمان های ارزشمند (از نظر تاریخی، معماری و سازگاری با محیط زیست) اعلام کرد و مدال معتمدین RIBA را به نورمن فاستر اعطا نمود. در همین سال فاستر عنوان «سر» گرفت.

در این زمان، دفتر معماری فاستر و همکاران (که از این پس دفتر معماری سر نورمن فاستر و همکاران نامیده خواهد شد) به ساختمان نوسازی در کیلو متر ۲۲ جاده هستر در نزدیکی رودخانه تیمر نقل مکان کرد. در این دفتر جدید، تمام عملکرد های گوناگون مربوط به کارگاه ماکت سازی و مصالح، بایگانی پرونده ها، کتابخانه و آرشیو فیلم های ویدئویی و عکس، همگی زیر یک سقف گرد آمده اند.

۱۹۹۱ دانشگاه معماری فرانسه، به وی مدال افتخار اعطا کرد.

در همین سال، چندین پروژه جدید و ارزشمند را به اتمام رساند؛ از جمله فرودگاه استانزد، مرکز تلویزیونی آی تی ان، نگارخانه های ساکسر (که ملکه الیزابت دوم آنها را افتتاح کرد) و برج سده در توکیو که همه آنها علاوه بر دریافت جوایز متعدد، مورد ستایش تمام جهان قرار گرفت. در مراسم باز گشایی ساختمان کرسنت وینگ، مرکز هنر های تجسمی سانزبوری نمایشگاهی بر پا کرد که حاصل شش سال فعالیت حرفه ای فاستر را به نمایش گذاشت. در نمایشگاه دو سالانه و نیز غرفه ای بریتانیا نیز تعدادی از طرح های فاستر و پنج معمار دیگر انگلیسی را به نمایش در آورد.

۱۹۹۲ دانشگاه و موسسه هنر و ادبیات امریکا در نیویورک، جایزه یاد بود آرنولد برو نر را به وی اعطا نمود. دانشگاه هامر ساید به او دکترای افتخاری داد. بر پای چندین نمایشگاه در شهر های پاریس، برودوکس، رنس و آرسن سنان، بر ارزش و اعتبار فاستر در اروپا افزود. در همین سال، وی در چندین مسابقه معماری برنده شد که مهمترین

آنها عبارت اند از: فرودگاه جدید هنگ کنگ، پارک مشاغل برلین، مجموعه تسهیلات المپیک در منچستر و قسمت الحاقی آن به موزه ما قبل تاریخ در پرووانس.

۱۹۹۳ وسعت پروژه ها و تعداد قرار دادهای بین المللی باعث شد که این شرکت، دفتر هایی در شهر های برلین، فرانکفورت، هنگ کنگ، نایمز و توکیو دایر کند.

شرکت معماری سر نورمن فاستر و همکاران در آلمان، در مسابقه طراحی پارلمان جدید برلین برنده شد. از دیگر موقعیت های وی در مسابقات معماری می توان به طرح موزه جنگ در هارتل پول و طرح مجموعه نمایشگاهی در لیسبون اشاره کرد.

پروژه مرکز هنر های معاصر در شهر نایمز فرانسه افتتاح شد. این پروژه به دلیل مشکلاتی که برای برگزاری مسابقه (۱۹۸۳) به وجود آمد، با مدتی تاخیر انجام شد.

ولی این مشکلات در ساخت مدرسه متوسطه شهر فرزو وجود نداشت. طراحی این مدرسه، در سال ۱۹۹۱ به مسابقه گذاشته شد. انجمن معماران امریکایی نیز، در همین

سال مدال طلای خود را به سر نورمن فاستر اعطا نمود.